

روزه و رمضان در نگاه رمانتیک برخی از شاعران زبان فارسی

حجت‌اله امیدعلی^۱ ID

فاطمه سلطانی^۲ ID

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۲۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۳/۹

10.22080/RJLS.2023.23624.1304

چکیده

رمانتیک‌ها، عنصر بنیادین شعر را تخیل می‌دانند که به شاعر امکان آفرینش بدیع و خلاق می‌دهد و با این ابزار به دنیای نادیده‌ها و ناشنیده‌ها ورود می‌یابد و دنیایی جدید خلق می‌کند. روزه و آداب و رسوم پرشکوه ماه مبارک رمضان، مورد توجه اغلب شاعران ادبیات فارسی بوده، آن را دستمایه‌ی مضمون‌آفرینی و تصویرسازی شعر خود قرار داده‌اند. این پژوهش برای بررسی چگونگی نمود ماه مبارک رمضان و روزه گرفتن در آثار شاعران فارسی زبان، با روش توصیفی - تحلیلی و بر اساس آمار بسامدی که با نرم‌افزار از شعر شاعران به دست آمده، روزه و رمضان را تحلیل کرده است. شاعرانی که بیشترین توجه را به این موضوع داشتند، انتخاب و تحلیل شد. بحث اصلی در سه محور اصلی با عناوین: ۱- تصاویر بلاغی رمضان و روزه در شعر فارسی ۲- آداب و رسوم ماه رمضان و روزه گرفتن ۳- کارکرد رمضان و روزه آورده شد. تشبیه، تلمیح و حسن تعلیل، بیشترین بسامد را در تصاویر بلاغی، نیت، امساک و پرهیز و نحوه‌ی افطار کردن، بیشتر بسامد را در آداب و رسوم روزه و ماه رمضان، تهذیب و انسان‌سازی از مهم‌ترین کارکردهای روزه و رمضان در شعر فارسی است که همه‌ی این‌ها با خیال شاعران، بازآفرینی شده‌اند.

کلیدواژه‌ها: تخیل رمانتیک، شعر فارسی، رمضان و روزه، زبان فارسی.

۱- استادیار دانشگاه اراک، ایران، (نویسنده‌ی مسؤول) رایانامه: H-omidali@araku.ac.ir

۲- استادیار دانشگاه اراک، ایران، رایانامه: F-soltani@araku.ac.ir

۱- مقدمه

در ادبیات فارسی، عنصر تخیل و مکاشفه‌ی رمزا در افق‌های ذهن شاعران و نویسندگان در حوزه‌ی مسائل دینی و اعتقادی، حضوری آشکار و پویا دارد و در پرتو تخیل خلاق شاعران و نویسندگان، مرز فهم و برداشت از مسائل دینی دستخوش تغییر شده است. این نگاه هنری به دین و الاهیات که در ادبیات فارسی با عنوان عرفان و تصوّف از آن یاد می‌شود - «تصوف و عرفان چیزی نیست جز نگاه هنری به دین و مذهب» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۸: ۲۷) - هنری است پیچیده و مضاعف که در برخورد با گزاره‌های دینی، نکات و ظرایف و تصاویری را خلق می‌کند که ممکن است برای برخی از افراد، تناقضاتی را ایجاد کند و این دست گزاره‌ها را به کلی رد کند و آن را مخالف با دین بداند؛ در صورتی که معیار صدق و کذب در گزاره‌های هنری و دینی متفاوت است، همان‌گونه که «مرز دروغ و اغراق هنری را بافت آن‌ها و زمینه‌ی ساختاری آن‌ها تعیین می‌کند.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۲: ۶۳)

مضامین اعتقادی و دینی از درون‌مایه‌های پرتکرار ادبیات فارسی است که شاعران با قوه‌ی تخیل خود در این گزاره‌ها تصرف کرده‌اند و با خلاقیت خود، تصاویری بدیع و مضامینی نو آفریده‌اند. ماه مبارک رمضان و روزه گرفتن، یکی از آیین‌های مورد توجه مسلمانان بوده و هست که هم در قرآن و هم در کلام پیشوایان و اندیشمندان دینی مورد توجه قرار گرفته است. «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ.» (سوره بقره / آیه ۱۸۳) علاوه بر متون دینی که در آن به روزه و آداب آن توجه زیادی شده است، در اشعار و متون ادبی زبان فارسی نیز به این عبادت که خداوند آن را برای خود دانسته است، اقبال و رغبت قابل توجهی شده است و ابعاد مختلف روزه گرفتن و ماه رمضان در آثار ادبی شاعران و نویسندگان نمود یافته است.

۱-۱- بیان مسأله

هر هنرمندی، داده‌های موجود فرهنگ پیش از خود را در منظومه‌ی هنری و روحی خود، با کیمیای تخیل خویش ذوب و دگرگون می‌کند و در نتیجه این کیمیاگری، مفاهیم و سایه‌روشن‌های جدید و ویژه‌ی هنرمند خلق می‌شود. نماز و روزه و حج و... وقتی وارد منظومه‌ی تخیل هر شاعر یا عارفی می‌شود، صبغه و رنگ خاصی می‌پذیرد. به شمار این شاعران و عارفان، ما با نمازها، روزه‌ها، حج‌ها و... گوناگون روبه‌رو می‌شویم. (ر.ک: شفیعی کدکنی، ۱۳۹۲: ۵۴۶)

بررسی میدان و قلمرو تداعی و تکاپوی تخیل شاعران در ارتباط با ماه رمضان و روزه گرفتن، مسأله اصلی این پژوهش است تا بیان کند که چگونه آیین‌های باشکوه و جذّاب رمضان و روزه گرفتن، در کارگاه تخیل شاعران، تحریری نو یافته است. در واقع کیمیای تخیل آن‌ها باعث شده است که مضامین و تصاویری خلق کنند که گاهی بسیار مورد تحسین قرار می‌گیرد و گاهی مطالبی برخلاف سنت‌ها و هنجارهای جامعه بیان کنند.

۱-۲- پرسش‌های پژوهش

- چه مضامینی در ارتباط با روزه و رمضان در شعر فارسی وجود دارد؟
- شاعران به کمک نگاه رمانتیک خود، چه تصاویری را در این زمینه خلق کرده‌اند؟

۱-۳- روش پژوهش

روش تحقیق، تحلیل محتوایی است. با جست‌وجو و بررسی روزه و رمضان در شعر شاعران ادبیات فارسی - به کمک نرم‌افزار - مشخص شد که اغلب شاعران به این امر توجه داشته‌اند. البته بسامد در شعر چهار شاعر - عطار، سعدی، مولوی و قانلی - قابل توجه‌تر بود. تمرکز اصلی بر شعر این چهار شاعر است. البته در جاهای مختلف برای تبیین و تفسیر ابعاد مختلف موضوع از شعر دیگر شاعران هم استفاده شده است.

۱-۴- پیشینه‌ی پژوهش

در ارتباط با روزه گرفتن و ماه مبارک رمضان، پژوهش‌های مختلفی در حیطه‌های گوناگون از رشته‌های الهیات گرفته تا علوم پزشکی و... انجام شده است، از جمله:

- قاضی‌زاده (۱۳۹۱) در مقاله‌ی «ویژگی‌های رمضان و آداب روزه‌داری» با بیان ویژگی‌ها و ارزش‌ها و قداست ماه رمضان، احکام این ماه را برای آشنایی بیشتر مخاطب آورده است.

- صدیقی (۱۳۹۱) در مقاله‌ی «فلسفه‌ی روزه در اسلام» به تبیین فلسفه و فوائد روزه پرداخته است و با توضیح حکمت علمی عبادت در اسلام، به غنیمت شمردن ماه رمضان و برنامه‌های انسان‌سازی این ماه می‌پردازد.

- گلپور و همکاران (۱۳۹۳) در مقاله‌ی «روزه‌داری و سیستم ایمنی از منظر قرآن» به نقش روزه در ارتقای سلامتی جسم و روان پرداخته است.

- موسوی گرمارودی (۱۳۷۹) در مقاله‌ی «نگاهی به رمضان در شعر فارسی» با آوردن تعدادی از اشعار فارسی و ذکر خاطراتی شخصی، وجیزه‌ی خود را تدوین کرده است.

۲- چارچوب مفهومی پژوهش

در ابتدا به‌عنوان مقدمه برای تشریح رمانتیسم باید اشاره شود که رمانتیک، دو معنا دارد. «یک معنای خاص که صفت است برای مکتب شعری خاصی که در قرن نوزدهم در اروپا رونق گرفت. یک معنای عام که عبارت است از هرگونه شعری که حال و هوای غنایی و اندوهگین داشته و بر احساس تأکید فراوانی داشته باشد. به این معنا بخش حجیمی از شعر فارسی، رمانتیک است.» (زرقانی، ۱۳۸۷: ۲۱۵)

مکتب رمانتیک در معنای کلی عبارت است از بیان احساسات شخصی و متکی بر شور و احساس و تخیل است. اساس بینش و ادراک رمانتیک، عنصر شخصی و فردی است. (زرین کوب، ۱۳۶۱: ۴۵۵)

فردیت، بیان آزاد احساسات و هیجانات فردی، پایبندی به تصویر، کشف و شهود و درون‌بینی، اصالت جهان خیالی، اصالت تصور و غلبه‌ی جهان ذهنی بر جهان واقعی از جمله مؤلفه‌های این مکتب است. بنابراین در مکتب رمانتیسم، بسیار به تخیل اهمیت داده شده است و پیروان آن معتقدند که «شاعر یا نویسنده‌ی رمانتیک از آنچه هست نمی‌گوید، بلکه از آنچه باید باشد، بحث می‌کند و هنر او با مبالغه آمیخته می‌شود.» (ثروت، ۱۳۹۵: ۹۶)

رمانتیسم هرچند مترادف با رؤیاگرایی، عشق‌گرایی، تمایل به افکار لطیف، شاعرانه و... (ر.ک. اسلامی مقدم و فارسیانی، ۱۳۹۹: ۸) به‌عنوان یک مکتب، پدیده‌ای اروپایی است و پرتوهایی از آن بر حوزه‌ی ادبی ایران هم تأیید شده است، بسیاری از محققان ادبی اذعان دارند که تمامی مؤلفه‌ها و احکام و دلیل پیدایش این مکتب را در حوزه‌ی ادبی ایران نمی‌توان انطباق داد. سعید نفیسی معتقد است که «بهتر است بگوییم که در ادبیات ایران، مطلقاً سبک رمانتیک به همان مصداقی که در اروپا داشته، دیده نشده است.» (دهقانی، ۱۳۸۰: ۲۰۷ به نقل از زرقانی، ۱۳۸۷: ۲۱۴) شفیع کدکنی هم اذعان دارد که «اطلاق کلمه رمانتیسم را با توسع انجام می‌دهیم... کلمه رمانتیسم را با آن معنای دقیقی که در ادبیات اروپایی دارد، به کار نمی‌بریم. به کار بردن این کلمه از ناچاری است.» (شفیع کدکنی، ۱۳۸۰: ۵۰)

رمانتیسم، نهضتی فلسفی - ادبی بود که در زمینه‌ی ادبیات و هنر، به برتری تخیل و احساس بر تعقل و استدلال تأکید داشت. این نهضت با گذر زمان و تثبیت اصول و مؤلفه‌هایی برای خود، تبدیل به یک

مکتب شد و بسیاری از پیروان این مکتب معتقد بودند که «شاعر بودنشان صرفاً به دلیل تخیل است.» (باوره، ۱۳۸۶: ۵۶)

همان گونه که تخیل از ویژگی‌های ماهوی مکتب رمانتیک است، قبل از این مکتب نیز اکثر محققان ادبی از زمان افلاطون و ارسطو گرفته تا زمان حاضر، تخیل را جزء عناصر بنیادین ادبیات دانسته‌اند و در تعاریف خود از شعر، نقش اساسی برای تخیل قائلند. از بین عناصر شعر - زبان، موسیقی، تخیل، فرم، عاطفه و... - تخیل اهمیت ویژه‌ای دارد و آن را ملکه‌ی همه استعدادها و قوای ذهنی می‌دانند. (ر.ک: جعفری جزی، ۱۳۷۸: ۳۱۷) طرز پیوند برقرار کردن شاعر میان انسان و طبیعت، چیزی است پرداخته‌ی تخیل او؛ این تصرف ذهنی شاعر، زمینه‌ی اصلی شعر را تشکیل می‌دهد. (ر.ک. شفیعی کدکنی، ۱۳۹۱: ۲) بنابراین هر شاعری حتی آنکه اجتماعی و متعهد و اهل واقعیات روزگار خویش خوانده شود، معمولاً و عادتاً مایه‌هایی کم یا بیش از رمانتیسم را در خود دارد؛ چون شعر است و عالم تخیل. اساساً آن شور و هیجانی که در شعر سراغ داریم، بیشتر از رهگذر همین ویژگی‌ها و عوالم رمانتیک آن حاصل می‌شود. (ر.ک: حمیدیان، ۱۳۸۳: ۲۲)

۳- تحلیل داده‌ها

شاعران، داده‌ها و مواد خام را می‌گیرند و در کوره‌ی تخیل خود ذوب می‌کنند و به اشکال مختلف عرضه می‌دارند و بدین صورت در آفرینش و تثبیت و ترویج سنت‌های ادبی - نظامی از شبکه‌ها و یا شبکه‌ای از نظام‌ها - در جامعه نقش عمده‌ای دارند. این سنت‌ها، مفاهیم و مضامینی است مبتنی بر عقاید و باورها، علائق و آرزوها، و تخیلات، آداب و رسوم و رفتارهای اجتماعی یک ملت است که از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود و هنرمندان با ابزار هنری، آن‌ها را در آثار خود منعکس و بسط می‌دهند.

آبشخور اصلی بسیاری از سنت‌های ادبی، مفاهیم و اصطلاحات دینی است که پیوسته دستمایه‌ی تصویرسازی و مضمون‌پردازی شاعران و نویسندگان قرار گرفته است تا از طریق تخیل پویا و بدیع، به خلاقیت‌های هنری و بازی‌های زبانی دست بزنند. این مفاهیم و اصطلاحات به دلایل مختلف، گاهی از جهت اندیشگانی (از جمله تأملات فلسفی، گرایش‌های انتقادی، تمایلات ملامی، خارخارهای لحظه‌ای ذهن و...) و گاهی به دلایل صرفاً هنری (طبع آزمایی در عرصه‌ی شکل و مضمون و تصویر و...) مورد پرسش و گاه بازی قرار گرفته‌اند. (ر.ک: مستعلی و جلالی، ۱۳۹۵: ۱۵۴)

روزه گرفتن و آداب و رسوم مرتبط با ماه رمضان، بسیار مورد توجه شاعران فارسی قرار گرفته است. در این پژوهش، نگاه و برداشت‌های شاعران در ارتباط با این موضوع در سه محور اصلی **تصاویر بلاغی**، **آداب و رسوم مرتبط با رمضان و روزه گرفتن و کارکردهای روزه** تحلیل و بررسی شده است. دلیل این تقسیم‌بندی آن است که مشخص شود نیروی تخیل شاعران علاوه بر آفرینش تصاویر بلاغی، در آداب و رسوم و کارکردهای روزه هم مضمون‌آفرینی خیال‌انگیز و شاعرانه - و نگاه دگرذیسی‌هایی - داشته است. در واقع اساس شکل‌گیری تمامی این محورها حول تخیل، احساسات و عواطف شاعران است که سبب خلق تصاویر رمانتیک و نابی شده است؛ نظیر «حرام نبودن می لب لعل معشوق در ماه رمضان»، «واجب نبودن روزه بر عاشقی که از هجر معشوق در سفر، زار و بیمار است»، «باز کردن روزه با یاد معشوق و با قند لب معشوق»، «باز کردن روزه با مشاهده‌ی هلال ابروی معشوق» و روزه را چون نور، آرامگاه، شکر، کوه قاف، چاه و خنجر پنداشتن و...

۳-۱- تصاویر بلاغی

اصطلاح تصویر در ادبیات، پیچیدگی و ابهام خاص خود را دارد. «ابهام و پیچیدگی این اصطلاح در این است که بر همه‌ی صناعات ادبی از قافیه و بند و وزن گرفته تا تشبیه و استعاره و نماد دلالت می‌کند و حتی برای تحلیل و کشف معنای شعر نیز به کار می‌رود.» (فتوحی، ۱۳۸۸: ۳۷) در عام‌ترین مفهوم، تصویر بر کل زبان مجازی اطلاق می‌شود؛ یعنی آن بخش از کاربردهای خلاقانه و هنری زبان که از رهگذر تصرفات خیال در زبان عادی به وجود می‌آید. بنابراین در رایج‌ترین تعریف از تصویر می‌توان آن را «هرگونه تصرف خیالی در زبان» (همان: ۴۴) دانست.

با تأمل در تصاویر شعری مرتبط با رمضان و روزه هم می‌توان حس و حال، اندیشه و عقاید شاعر را کشف کرد و هم حالی تازه و نو در مخاطب ایجاد می‌شود که التذاذ روحی و حظ معنوی می‌برد. از میان تصاویر شعری که در ارتباط با روزه و رمضان مورد توجه شاعران قرار گرفته است، تشبیه، تلمیح و حسن تعلیل، بسامد چشمگیری دارد.

۳-۱-۱- تشبیه

در میان شاعران ادبیات فارسی، مولوی بیشترین تصویر شعری را با روزه ارائه داده است و با ذهن وقاد و پویای خود، ارتباط و شباهت اقناع‌کننده میان روزه و دیگر پدیده‌ها، اشیاء، موجودات و... برقرار کرده است. او در غزلی با مطلع:

می بسازد جان و دل را بس عجایب کان گر تو خواهی تا عجب گردی عجایب دان
(مولوی، ۱۳۸۸: ۶۷۳)

با ردیف قرار دادن «صیام»، ضمن هماهنگی ساختن موسیقی کلام با عاطفه‌ی شعری، تصاویری متفاوت از روزه ارائه داده است. در بیت زیر، روزه را به اسب تازی تشبیه کرده است که با آن می‌توان به معراج رفت:

گر تو را سودای معراج است بر چرخ دانک اسب تازی تو هست در میدان صیام
(همانجا)

در بیت زیر، صیام را به آب تشبیه می‌کند که جان‌ها را تر و تازه می‌کند:

ماهی بیچاره را آب آن چنان تازه نکرد آنچه کرد اندر دل و جان‌های مشتاقان صیام
(همانجا)

در بیت زیر روزه به خاتم سلیمان و تاج تشبیه شده است:

خاتم ملک سلیمان است یا تاجی که بخت می‌نهد بر تارک سرهای مختاران صیام
(همانجا)

در بیت زیر روزه را به حمام تشبیه کرده است:

در خورش آن بام تون از توبه آرایش بود همچو حمامت بشوید از همه خذلان صیام
(همانجا)

در این غزل، مولوی چندین بار روزه را به نور تشبیه کرده و بین روزه و نور ارتباط برقرار کرده است:

شهوَت خوردن ستاره نحس دان تاریک دل نور گرداند چو ماهت در همه کیوان صیام
گر تو خواهی نور قرآن در درون جان خویش هست سر نور پاک جمله قرآن صیام
روزه چون روزت کند روشن دل و صافی روز عید وصل شه را ساخته قربان صیام
سنگ بی‌قیمت که صد خروار از او کس لعل گرداند چو خورشیدش درون کان صیام
(همانجا)

در بیت زیر روزه به آرامگاه تشبیه شده است:

پای خود را از شرف مانند سر گردان به صوم زانک هست آرامگاه مرد سرگردان صیام
(همانجا)

در نمونه‌ی زیر روزه به جان تشبیه شده است:

در تن مرد مجاهد در ره مقصود دل هست بهتر از حیات صد هزاران جان صیام

(همانجا)

روزه، شکر است:

شهوَت تن را تو همچون نیشکر درهم شکن تا درون جان بینی شکر ارزان صیام

(همانجا)

قدرت تصویرپردازی مولوی به گونه‌ای است که بین دو امر که به ظاهر ارتباطی با هم ندارند، رابطه‌ای کشف یا ایجاد می‌کند. او در بیت زیر، روزه را به کوه قاف تشبیه می‌کند که وجه شبه آن در ارتباط با سیمرغ است:

از درد به صاف آیم وز صاف به قاف آیم کز قاف صیام ای جان عصفور شود عنقا

(مولوی، ۱۳۸۸: ۷۱۲)

در بیت زیر روزه به صفرا تشبیه شده است که در نگاه اول، تصویری منفی به نظر می‌رسد، ولی مولوی با رابطه‌ی علی و معلولی که بیان می‌دارد، در نهایت آن را مثبت جلوه می‌دهد:

صفرای صیام ار چه سودای سر افزایش لیکن ز چنین سودا یابند ید بیضا

(همان)

در بیت زیر نیز به ظاهر تصویری منفی از روزه ارائه می‌دهد، ولی در نهایت مثبت می‌شود:

ظلمتی کز اندرونش آب حیوان می‌زهد هست آن ظلمت به نزد عقل هشیاران صیام

(همان: ۶۷۳)

مولوی علاوه بر غزل بالا، سه غزل دیگر دارد با ردیف روزه:

بربند دهان از نان کآمد شکر روزه دیدی هنر خوردن بنگر هنر روزه

(همان: ۶۹۲)

مبارک باد آمد ماه روزه رخت خوش باد ای همراه روزه

(همان: ۶۸۷)

سوی اطفال بیامد به کرم مادر روزه مهل ای طفل به سستی طرف چادر روزه

(همان: ۶۹۰)

یکی از کارکردهای ردیف در شعر این است که باعث انسجام و وحدت موضوع می‌شود. مولوی با ردیف قرار دادن «روزه»، انسجام غزل را تعالی بخشیده است و با محور قرار دادن «روزه»، اندیشه و برداشت‌های خود را در این زمینه ارائه می‌دهد:

روزه نم زمزم شد در عیسی مریم شد بر طارم چارم شد او در سفر

ای نقره باحرمت در کوره این
سی روز در این دریا پا سر کنی و سر پا
شیطان همه تدبیرش و آن حيله و تزویرش
آتش کندت خدمت اندر شرر
تا دررسی ای مولا اندر گهر روزه
بشکست همه تیرش پیش سپر روزه
(مولوی، ۱۳۸۸: ۶۹۰) ***
تو گلا غرقه خونی ز چه‌ای دلخوش و خندان
مگر اسحاق خلیلی خوشی از خنجر روزه
(همان)

یکی از کارکردهای اصلی تصویر در شعر مولوی، تقریری و توضیحی است؛ یعنی تصویر در خدمت اندیشه است و وظیفه‌ی آرایش اندیشه را بر دوش می‌کشد. این تصاویر هماهنگ و متناسب، موجب قدرت دادن به اندیشه‌ها و عواطفی می‌شود که شاعر قصد انتقال آن‌ها را دارد و هرچه میان جلوه‌های مختلف تصویر و عناصر دیگر شعر هماهنگی و پیوند باشد، رسوخ و اثرگذاری شعر در ذهن مخاطب بیشتر خواهد بود.

عطار، روزه را ردیف یکی از قصایدش قرار داده است با این مطلع:

مکن مدار برای من ای پسر روزه که کرد عارض سیمین تو چو زر روزه
(عطار، ۱۳۵۸: ۱۶۸)

نکته قابل ذکر در ارتباط با شعر عطار این است که وی در تصویرسازی به‌هیچ‌وجه به پای مولوی نمی‌رسد و در این قصیده حتی یک تشبیه در ارتباط با روزه نیآورده است. یکی دیگر از تشبیهاتی که در شعر فارسی بسامد دارد، ارتباط بین هلال ماه عید و ابروی معشوق است. شاعران بارها این مضمون را در تصاویر شعری خود آورده‌اند:

رخ از ما تا به کی پنهان کند عید هلال آنک به ابرو می‌نماید
(سعدی، ۱۳۸۵: ۶۳۸)

یکی از تشبیهات زیبایی که با عید رمضان ساخته شده است، بیت زیر از سعدی است:
معشوقه به نام من و کام دگران است چون اول شوال که عید رمضان است
(همان: ۵۶۲)

پیوند دو امر غیر مرتبط و آوردن دلیل ادبی برای آن کاری است که سعدی در این بیت کرده است و مخاطب را مبهوت ذوق و قریحه‌ی شاعری خود می‌کند. این تشبیه، بیانگر وسعت دید سعدی است و نشان می‌دهد که شاعر چگونه توانسته میان اشیا و عناصر به‌ظاهر بی‌ارتباط، شباهت و ارتباط کشف کند و برقرار نماید. این پیوند و ارتباط اقناع‌کننده‌ی هسته مرکزی بسیاری از تصاویر شعری شاعران است.

۳-۱-۲- تلمیح

تلمیح، یکی از شگردهای بلاغی است که همواره نقشی مهم و مؤثر در القای عواطف و آفرینش تصاویر ادبی داشته است. ویژگی قابل توجه تلمیح آن است که به‌عنوان یکی از شیوه‌های فرمی برای تبیین ذهنیات، می‌تواند اشکال بلاغی دیگری را نیز در بطن خود جای دهد و بدین ترتیب هم جنبه‌ی مخیل سخن را قوت بخشد و هم بعد القایی آن را برجسته سازد. یکی از تلمیحات زیبایی که بن‌مایه‌ی تصویرسازی مولوی شده است، داستان حضرت یوسف و حوادث مرتبط با آن است. مولوی در بیت زیر:

چو یوسف ملک مصر عشق گیرد کسی کو صبر کرد در چاه روزه
(مولوی، ۱۳۸۸: ۶۸۷)

روزه را به چاه تشبیه کرده است که با صبوری می‌توان از آن به پادشاهی رسید. مولوی به یاری حافظه‌ی نیرومند و توانایی‌های ذاتی خویش و نیز با ایمان استوار به ارزش‌های اسلامی، در اشعار خود با استادی و هنرمندی شایسته‌ای از قرآن کریم و احادیث نبوی، بسیار بهره برده است.

یکی از تلمیحات قابل توجه در ارتباط با روزه گرفتن، داستان روزه‌ی سکوت حضرت مریم^(س) است که دستمایه‌ی تصویرسازی شاعران شده است. خاقانی از آنجایی که مادرش مسیحی بود و با دین مسیحی آشنایی کافی داشت، از این مفهوم در شعر خود بسیار استفاده کرده است:

روزه کردم نذر چون مریم که هم مریم صفاست خاطر روح القدس پیوند عیسی‌زای من
(خاقانی، ۱۳۸۸: ۳۲۱)

همچنین در بیت زیر:

جسم و جان را همچو مریم روزه فرمای از سحر تا در آید عیسی یک‌روزه در دین گستری
(همان: ۳۴۳)

در ابیات زیر هم داستان روزه حضرت مریم^(س)، هسته‌ی بنیادین تصویر است. سنایی به کمک آن توانسته گزاره‌ای شاعرانه و اقناع‌کننده و در عین حال مستدل به یک واقعه‌ی تاریخی بیان کند:

حاسدت روزه خموشی نذر کرد از عاجزی تا تو بر جایی و بادت تا به یوم‌الدین بقا
تا خمش باشد حسودت زان که تا بر چرخ شمس جلوه گر باشد، نباشد روزه بگشودن روا
(سنایی، ۱۳۶۲: ۲۱۸)

خاقانی هم بارها به داستان روزه‌ی حضرت مریم اشاره کرده است:

او گرفته ز سخن روزه و از عید سخاش صاع خواهان زکات آدم و حوا بینند

(خاقانی، ۱۳۸۸: ۹۹)

نکته‌ی قابل توجه در شعر خاقانی این است که وی به اصل داستان پایبند نیست، بلکه در برخی موارد هسته‌های داستان را گرفته و اندکی تغییر داده است. مثلاً در بیت زیر می‌گوید که مریم روزه گشاده و عیسی لب بسته است، در صورتی که اصل داستان برعکس بوده است. این شیوه که دگردیسی تلمیح نام دارد، باعث آشنایی‌زدایی و لذت بیشتر خواننده می‌شود:

مریم گشاده روزه و عیسی بسته نطق کو در سخن گشاد سر سفره‌ی سخا

(همان: ۵)

در بیت زیر، شاعر به کمک داستان حضرت ابراهیم و قربانی کردن فرزندش، روزه را به خنجر تشبیه کرده است تا از این طریق برای مخاطب، ملموس و قابل توجیه باشد:

تو گلا غرقه خونی ز چه‌ای دل خوش و خندان مگر اسحاق خلیلی خوشی از خنجر روزه

(مولوی، ۱۳۸۸: ۶۹۰)

بدون در نظر گرفتن داستان قربانی کردن حضرت ابراهیم فرزندش را، رابطه‌ی میان خنجر و روزه برقرار نمی‌شود. بنابراین اینجاست که هنر تلمیح خود را بیشتر آشکار می‌کند و شگردهای بلاغی دیگری را در خود می‌پروراند.

۳-۱-۳- حسن تعلیل

زمینه‌چینی‌های منطقی و بهره‌گیری از روش‌های استدلالی با دلالت‌های شاعرانه، گاهی با وجود خیالی و کذب بودن این استدلال‌ها، چنان استوار و جذاب به نظر می‌رسند که راهی جز اقناع برای مخاطب باقی نمی‌ماند. با تأمل در آرایه‌های ادبی می‌بینیم که در دل همه‌ی آن‌ها، دروغ اقناعی وجود دارد که این دروغ اقناع‌کننده در بستر استدلال‌های هنری شاعران به وجود می‌آید و از منظری می‌توانیم بگوییم که در بسیاری از آرایه‌های ادبی، حسن تعلیل‌های مضموم وجود دارد. «رویه‌ی هنری استدلال ادبی، مذهب کلامی، تمثیل، ارسال‌المثل، تشبیه، استعاره، تشخیص، سوگند و اسلوب معادله است و زیرساخت آن، عبارات منطقی شاعرانه است که شاعر را در بیان مقصود ادبی، حکمی و هنری خویش یاری می‌دهد.» (اسکویی، ۱۳۹۴: ۳۰)

خاقانی، یکی از شاعرانی است که حسن تعلیل‌های ناب و استادانه در شعر او به وفور دیده می‌شود. او در قصیده‌ای، بیماری دل را دلیل شاعرانه‌ای برای روزه نگرفتن آورده است و همچنین در ارتباط با افطار کردن روزه و این سنت که معمولاً با آب گرم، روزه را می‌گشودند، ابیات زیر را سروده است:

اشک چشمم در دهان افتد گه افطار از آنک
جز که آب گرم چیزی نگذرد از نای من
نیست بر من روزه در بیماری دل زان مرا
روزه باطل می‌کند اشک دهن آلائی من
(خاقانی، ۱۳۸۸: ۳۲۲)

زبان در دست شاعر توانا و چیره‌دست، کیمیاگری می‌کند و امور گوناگون و متفاوت و حتی متضاد و متناقض را به یکدیگر گره می‌دهد؛ گویی زبان، پل و معبری است برای رسیدن به ناممکن‌ها. خاقانی در دو بیت بالا با کیمیای تخیل و زبان، دو امر متفاوت را به هم گره زده است. او با تعلیل و توجیه روشمند و خلّاقیت هنری خود، بین دو گزاره‌ی مختلف ارتباط برقرار کرده و با استدلال هنری خود باعث اقناع و تلذذ هنری مخاطب شده است. افتادن اشک در دهان خود را دلیلی برای روزه گشودن با آب گرم می‌داند و در بیت بعدی، دلیل واجب نبودن روزه را بر خود، بیماری دل می‌داند، در صورتی که بیماری دل در شرع، دلیلی نمی‌شود برای روزه نگرفتن. در دو بیت زیر هم با استدلال هنری خود مخاطب را اقناع می‌کند:

در روزه بودم از سخن و جامه دو عید
بر من فکند و عهد مرا عیدوار کرد
دیدم دو عید و روزه گشادم به آب شکر
هر کو دو عید دید ز روزه کنار کرد
(خاقانی، ۱۳۸۸: ۱۵۰)

دلیل آفرینی، هنری با ایجاد ارتباط بین دو گزاره با پیوندی پندارین است تا از این طریق، شاعر با ظرفیت‌های بی‌نظیر تخیل، توانایی خود را در اقناع مخاطب به نمایش بگذارد. این نوع بیان هنری با تقویت جنبه‌های اقناعی سخن و افزایش قدرت القایی آن، با کارکرد اصلی شعر به تعبیر فارابی - شعر، انگیزش روحی و روانی در انسان‌هاست (فارابی، ۱۳۶۱: ۶۶) - تناسب دارد. در واقع شاعر با دلیل آفرینی، مخاطب را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد و این توانایی را دارد که خوب را بد و بد را خوب جلوه دهد تا مخاطب، واقعیت بیرونی را نادیده بینگارد.

حافظ، تشبیهاتی را که در بیت زیر شناخته است، بر اساس یک استدلال شاعرانه خلق کرده است:

بیا که ترک فلک خوان روزه غارت کرد
هلال ماه به دور قدح اشارت کرد
ثواب روزه و حج قبول آن کس برد
که خاک میکده عشق را زیارت کرد
(حافظ، ۱۳۸۷: ۸۳)

هسته‌ی اسلوب معادله هم منطق و استدلال است؛ شاعر از تشبیهی مبتنی بر منطق بهره می‌برد تا بین دو گزاره‌ی بی‌ربط و کم‌رنگ ارتباط برقرار کند. در واقع با تعادل منطقی که بین دو سوی معادله شکل

می‌گیرد، مخاطب اقناع می‌شود. صائب در بیت زیر، ماه رمضان را این‌گونه مایه‌ی مضمون‌آفرینی خود می‌کند:

با کمال سبکی بر دل خلق است گران زاهد خشک به ماه رمضان می‌ماند
(صائب، ۱۳۶۵: ۱۷۸۴)

صائب در جای دیگر هم به سنگینی روزه در نظر مردم اشاره می‌کند:

با گران‌قدری سبک در دیده‌هایم چون نماز با سبک روحی به خاطرها گران چون روزه‌ام
(همان: ۲۸۵۹)

استفان تولمین، فیلسوف و نویسنده‌ی انگلیسی درباره‌ی ساختارهای استدلال، مباحثه‌پرداز و برهان‌آوری بیان می‌دارد که گویندگان و اهل زبان برای اقناع مخاطب و باوراندن نظریه‌ها و آرای خود به شنونده از فنون دیگری به جز منطق رسمی ارسطویی بهره می‌گیرند. (ر.ک. اسکویی، ۱۳۹۰: ۳۲) در زمینه ادبیات به این صورت است که شاعران با آوردن آرایه‌های ادبی فراوان، علاوه بر تقویت معنای شعری و نمایش مهارت‌های خود، سعی دارند استنتاجات خود را منطقی جلوه دهند. مثلاً سعدی گاهی در اشعارش، خود را در کسوت فردی منطقی نمایان می‌کند و هرچند بنیان کلامش بر تخیل شاعرانه استوار است، بی‌توجه به منطق و استدلال هم نیست. در ابیات زیر، حسرت خوردن روزه‌دار بر سفره را تمثیلی قرار می‌دهد تا با آن کلام خود را منطقی کند:

گروهی نشینند با خوش پسر که ما پاکبازیم و صاحب‌نظر
ز من پرس فرسوده روزگار که بر سفره حسرت خورد روزه‌دار
(سعدی، ۱۳۸۵: ۳۲۹)

۳-۲- آداب و رسوم ماه رمضان و روزه گرفتن از منظر شاعران

ماه رمضان به عنوان مهم‌ترین ماه مذهبی مسلمانان، ویژگی‌ها، آداب، سنن و فرایضی دارد. به این آداب و رسوم در شعر شاعران اشاره شده است.

۱.۲.۳. پرهیز و امساک

یکی از کارهای اساسی در ماه رمضان، پرهیز از خوردن و آشامیدن است و روزه‌دار باید در این زمینه امساک کند. غزالی در «کیمیای سعادت»، فریضه‌های روزه را شش مورد می‌شمرد و یکی از آنها را این می‌داند که روزه‌دار «هیچ چیز به باطن خویش نرساند به عمد و قصد.» (غزالی، ۱۳۸۰: ۲۰۹) شاعران ضمن اشاره به این مورد، به نکات دیگری هم علاوه بر پرهیز از خوردن و آشامیدن اشاره می‌کنند. عطار در

شعری خطاب به مخاطب می‌گوید که فکر می‌کنی چون دهان از خوردن بستی، روزه باشی! نخیر! جز این الزاماتی دیگر نیز وجود دارد که باید رعایت کنی:

... پنداشتی که چون نخوری روزه تو آنست
هر عضو را بدان که به تحقیق روزه‌ای است
اول نگاه‌دار نظر تا رخ چو گل
دیگر ببند گوش ز هر ناشنودنی
دیگر زبان خویش که جای ثنای اوست
دیگر به وقت روزه گشادن مخور حرام
دیگر بسی مخسب که در تنگنای گور
دیگر به فکر آینه دل چنان بکن
این است شرط روزه اگر مرد روزه‌ای
دیگر بسی مخور که هر آن کس که سیر خورد
... این روزه نیست گر شرف روزه بایدت

بسیار چیز هست جز این شرط روزه‌دار
تا روزه تو روزه بود نزد کردگار
در چشم تو نیفکند از عشق خویش خار
کز گفت و گوی هرزه شود عقل تار و مار
از غیبت و دروغ فروبند استوار
زیرا که خون خوری تو از آن به هزار بار
چندان خواب هست که آن نیست در شمار
کز غیر ذکر حق ننشینند برو غبار
گرچه ز روی عقل یکی گفتم از هزار
اعضاش جمله گرسنه گردند و بی‌قرار
بیرون شوی ز تویی تو مثال مار
(عطار، ۱۳۵۸: ۱۰۵)

عطار در این شعر به کمک تخیل شاعرانه‌ی خود، شروطی را برای روزه و روزدار برمی‌شمرد. او با آوردن صور خیال مختلف، مخاطب را مجاب می‌کند. در بیت آخر، شرف روزه را در بیرون شدن از تویی و منیت شخص می‌داند و آن را به پوست‌اندازی مار تشبیه کرده است. همچنین مال حرام را به خون خوردن تشبیه می‌کند و یاد غیر خدا را چون غباری می‌داند که بر آینه‌ی دل می‌نشیند.

سعدی در حکایتی از بوستان می‌گوید که در طفلی، رغبت روزه گرفتن داشت و یکی از عابدان کوی، چگونگی آن را به من آموزش داد و گفت که هیچ کس از من بهتر نمی‌تواند آموزش دهد و از کدخدای ده بدگویی کرد. این سخن به کدخدا رسید. کدخدا به او پیغام فرستاد:

که ای زشت کردار زیبا سخن
نه مسواک در روزه گفתי خطاست
دهن گوز ناگفتنی‌ها نخست
نخست آنچه گویی به مردم بکن
بنی آدم مرده خوردن رواست؟
بشوی ای که از خوردنی‌ها بشست
(سعدی، ۱۳۸۵: ۱۴۲)



در اینجا سعدی با تلمیح به آیه «وَلَا يَغْتَبُ بَعْضُكُم بَعْضًا أَيُّحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا» و با اشاره به باطل شدن روزه به خاطر مسواک زدن، مخاطب را به مقایسه وامی دارد و زشتی غیبت را برای او برجسته می‌کند.

نکته‌ی قابل ذکر که ذیل امساک از خوردن و آشامیدن در ماه رمضان می‌توان آورد و در ادبیات بسامد بالایی دارد، پرهیز از نوشیدن شراب است. شاعران بارها به این نکته اشاره کرده‌اند که یکی از عادت‌ها این بوده است که مردم در ماه رمضان از خوردن شراب پرهیز می‌کردند و این مورد، دستمایه‌ی مضمون‌پردازی شماری از شاعران شده است. حافظ، یکی از شاعرانی است که چندین مورد به این امر - خواه به صورت طنز خواه نمادین و تأویل‌پذیر - اشاره کرده است. او در بیت زیر:

ماه شعبان منه از دست قدح کاین خورشید از نظر تا شب عید رمضان خواهد شد
(حافظ، ۱۳۸۷: ۹۶)

آشکارا به رسم متداول در بین مردم اشاره می‌کند. سعدی هم با در نظر داشتن همین مضمون، ایهام تناسب «مردم» را خلق کرده است:

توبه کند مردم از گناه به شعبان در رمضان نیز چشم‌های تو مست است
(سعدی، ۱۳۸۵: ۶۳۴)

البته رندی حافظ و شیطنت‌های شاعری او را نباید در این زمینه از نظر دور داشت. او با سنت‌شکنی و رندبازی خاص خود می‌گوید که در ماه رمضان نیز شراب بدهید:

زان می‌عشق کز او پخته شود هر خامی گرچه ماه رمضان است بیاور جامی
(همان: ۳۱۸)

البته نمادین بودن می، مطلبی است که نمی‌توان آن را در دیوان حافظ نادیده انگاشت. حمیدیان در کتاب «شرح شوق» درباره‌ی باده می‌نویسد: «باده، مهم‌ترین و پرکاربردترین نماد در حکمت ذوقی ایرانی بوده است. این نماد در پهنه‌ی شعر، به تنهایی بار اندیشه‌ها و نگرش‌های عرفانی پیرامون عشق را بر دوش کشیده است.» (حمیدیان، ۱۳۹۲: ۵۱۸) حافظ خود به صراحت در بیتی اشاره می‌کند که چه باده‌ای مدنظر اوست:

زان باده که در میکده عشق فروشند ما را دو سه ساغر بده و گو رمضان باش
(حافظ، ۱۳۸۷: ۱۴۸)

یکی دیگر از سنت‌ها و آداب و رسوم این بوده است که در ماه رمضان، میکده‌ها را می‌بستند. هاتف اصفهانی در شعری می‌آورد که رمضان، میکده‌ها را بست:

رمضان میکده را بست خدا داند و بس تا ز یاران که به عید رمضان خواهد بود
(هاتف اصفهانی، ۱۳۶۲: ۴۶)

بنابراین هرچند خوردن می‌حرام است، در جامعه بسیاری آن را می‌نوشیدند؛ ولی باز در میان خودشان رسمی داشتند که در ماه رمضان آن را کنار بگذارند و این به خاطر احترام و ارزشی است که برای ماه رمضان قائل بودند. فروغی بسطامی هم اشاره می‌کند:

می‌حرام است خاصه در رمضان جز بر آن لعل لب که می‌گون است
(فروغی بسطامی، ۱۳۳۶: ۲۵۲)

نکته‌ای که در این ارتباط در شعر شاعران تکرار شده است، ارتباط میان شراب نوشیدن و رسیدن عید فطر/ عید رمضان است. حافظ بارها می‌گوید که حال که روزه تمام شده است و عید آمده است، شراب باید خورد. این مضمون از سنت جامعه آن زمان گرفته شده است:

حافظ منشین بی می و معشوق زمانی کایام گل و یاسمن و عید صیام است
(حافظ، ۱۳۸۷: ۴۱)

و در جای دیگر:

ساقی بیار باده که ماه صیام رفت در ده قدح که موسم ناموس و نام رفت
(همان: ۴۹)

او در یک غزل، مفصل به این امر اشاره می‌کند:

عید است و آخر گل و یاران در انتظار ساقی به روی شاه ببین ماه و می بیار
... حافظ چو رفت روزه و گل نیز می‌رود ناچار باده نوش که از دست رفت کار
(همان: ۷۶)

حتی در برخی موارد، طنزی زیرکانه و رندانه دارد و می‌خواهد تمام دارایی خود را در قبال می‌خوردن بپردازد:

روز عید است و من امروز در آن تدبیرم که دهم حاصل سی‌روزه و ساغر گیرم
چند روزی است که دورم ز رخ ساقی و جام بس خجالت که به روی آمد ازین تقصیرم
(همان: ۲۵۸)

علاوه بر کنار گذاشتن نوشیدن شراب در ماه رمضان، در برخی موارد اشاره شده است که موسیقی را هم کنار می‌گذاشتند. سعدی می‌گوید:

کسان که در رمضان چنگ می‌شکستندی نسیم گل بشنیدند و توبه بشکستند
(سعدی، ۱۳۸۵: ۳۲۷)

۳-۲-۲- نیت

یکی دیگر از فرائض و آداب روزه، نیت است. اگر نیت، الهی نباشد و به خاطر خدا نباشد، روزه صحیح نیست و فایده‌ای ندارد. سعدی در حکایتی می‌گوید که بچه‌ای روزه گرفت، ولی در بند حق نبود:

شنیدم که نابالغی روزه داشت به صد محنت آورد روزی به چاشت
... چو بر وی گذر کرد یک نیمه روز فتاد اندر او ز آتش معده سوز
به دل گفت اگر لقمه چندی خورم چه داند پدر غیب یا مادرم
چو روی پسر در پدر بود و قوم نهان خورد و پیدا به سر برد صوم
... پس این پیر از آن طفل نادان تر است که از بهر مردم به طاعت در است
(سعدی، ۱۳۸۵: ۲۹۲)

با ذکر این حکایت، رفتار زشت کسانی را برجسته می‌کند که نه در بند حقند، بلکه در بند مردمند و از این مثل سعی در تنبّه مخاطب دارد. او در حکایتی دیگر با اشاره به نیت سلطان برای روزه گرفتن و منفعت نرساندن به مردم، در نقد عمل او می‌گوید:

خورنده که خیرش برآید ز دست به از صائم‌الدهر دنیاپرست
مسلم کسی را بود روزه داشت که در مانده‌ای را دهد نان چاشت
و گرنه چه لازم که سعی بری ز خود بازگیری و هم خود خوری؟
(همانجا)

سعدی، روزه‌نگیر خیرسان به دیگران را از روزه‌دار دنیاپرست بهتر می‌داند و می‌گوید اگر کسی از خوردن امساک می‌کند، باید نانی را که نخورده به درمانده‌ها ببخشد، و گرنه باز گرفتن از خود و دوباره خود خوردن که هنری نیست. این نوع نگاه به روزه گرفتن، منطبق بر آداب شرع نیست، ولی سعدی با آوردن حکایت، مخاطب را اقناع می‌کند.

۳-۲-۳- روزه نگرفتن مسافر، مریض و رسوم افطار کردن

یکی دیگر از آدابی که در ماه رمضان وجود دارد این است که مسافر و مریض، روزه نمی‌گیرد. عطار در بیتی با حسن تعلیلی زیبا، این موضوع را دستمایه‌ی مضمون‌پردازی خود قرار داده است:

چو جان رنج کش من ز هجر در سفر است رواست گر بگشاید در این سفر روزه
چو من ز عشق تو بیمار و زار مانده اسیر بیار بوسه و بیمار گو بخور روزه
(عطار، ۱۳۵۸: ۱۶۸)

خاقانی در بیتی با مضمون روزه گرفتن و افطار کردن چنین می‌سراید:

تابه رویش گرفتم ام روزه جز به یادش نکرده‌ام افطار
(خاقانی، ۱۳۸۸: ۲۰۵)

معمولاً روزه را با خوراکی و نوشیدنی شیرین افطار می‌کردند. مولوی در ابیات زیر همین مضمون را به این صورت بیان می‌کند:

تا بنگشایم به قندت روزه‌ام تا قیامت روزه دارم روز و
چون ز خوان فضل روزه عید باشد روزگرم روز و
(مولوی، ۱۳۸۸: ۸۹)

۳-۲-۴- دیدن ماه نو

یکی دیگر از مواردی که در ماه رمضان به آن اشاره می‌شود، دیدن ماه نو است، چه در اول ماه رمضان و چه در آخر آن؛ به گونه‌ای که در هیچ‌یک از ماه‌ها مردم این گونه به رؤیت ماه نو توجه ندارند. این عادت مردم که از مستحبات ماه رمضان شمرده شده است، در ادبیات فارسی مورد توجه قرار گرفته است و بسیاری از شاعران، تصاویری شعری خود را از این عادت رایج در ماه رمضان اقتباس کرده‌اند:

دیگران را عید اگر فرداست ما را این دمست روزه‌داران ماه نو بینند و ما ابروی دوست
(سعدی، ۱۳۸۵: ۵۶۸)

نکته‌ای که در اینجا اشاره به آن بی‌ربط نیست، بحث انتظار کشیدن روزه‌داران در این ماه است، چه

انتظار برای افطار و چه انتظار برای رسیدن عید. به این مورد نیز در ادبیات فارسی اشاره شده است:

نگفتم روزه بسیاری نیاید ریاضت بگذرد سختی سر آید
پس از دشواری آسان‌یست ناچار ولیکن آدمی را صبر باید
رخ از ما تا به کی پنهان کند عید هلال آنک به ابرو می‌نماید
(سعدی، ۱۳۸۵: ۶۳۸)

سعدی در غزل دیگری می‌گوید:

باز آ که در فراق تو چشم امیدوار چون گوش روزه‌دار بر الله اکبر است
(همان: ۵۵۷)

قاآنی نیز در بیت زیر به این سنت اشاره می‌کند:

پی نظاره فرخ هلال عید صیام شدیم دوش من و ماه من به گوشه بام
(قاآنی، ۱۳۸۰: ۳۵۷)

همچنین ملک‌الشعراى بهار:

جلوه گر شد شب دوشین چو مه عید صیام کرد از ابرو پیوسته اشارت سوی جام
یعنی ای باده‌کشان، باده حلال است حلال یعنی ای دلشدگان، روزه حرام است حرام
مه من نیز پی رؤیت فرخنده هلال همچو خورشید فراز آمد از خانه به بام
تا همی ابروی او دیدم من با مه نو هیچ نشناختم آیا مه نو هست کدام
شده او بی‌هده جویای هلالی ز سپهر من از آن روی نکو یافته صد ماه تمام
(بهار، ۱۳۸۷: ۸۹۳)

۳-۳- کارکردهای روزه از منظر شاعران

روزه، فواید جسمی و روحی فراوان دارد؛ شفافبخش جسم و توان‌بخش جان است؛ پاک‌کننده‌ی آدمی از رذایل حیوانی است؛ در ساختن فرد صالح و اجتماع سالم بسیار مؤثر بوده، در تهذیب و تزکیه‌ی نفس و رهبانان انسان از روزمرگی و واماندگی در نیازهای تن، تأثیر بسزایی دارد. کارکردها و فواید روزه مورد توجه شاعران قرار گرفته است و هر کدام از منظر خود به مواردی اشاره و بر آن تأکید کرده‌اند. مولوی که در آثارش پیوسته بر کنترل نفس و هوا و هوس تأکید دارد، معتقد است که روزه می‌تواند نفس را کنترل کند؛ هرچند نفست مانند رستم قوی باشد، روزه می‌تواند لرزه بر آن بیندازد:

گرچه نفست رستمی باشد مسلط بر دلت لرزه بر وی افکند چون بر گل لریزان صیام
(مولوی، ۱۳۸۸: ۶۷۳)

عطار هم به در بند کشیدن نفس با روزه اشاره می‌کند:

نفس را از روزه اندر بند دار مرورا نزلقمه‌ای خورسند دار
روزه‌ای می‌دار چون مردان مرد نفس خود را از همه می‌دار فرد
(عطار، ۱۳۵۸: ۸۳۴)

خودسازی و تهذیب نفس از محوری‌ترین نقش‌های روزه است. غزالی می‌نویسد: «معدۀ، حوض تن است و منبع همه‌ی شهوت‌ها، معدۀ است و این غالب‌ترین شهوتی است بر آدمی؛ چه آدمی که از بهشت بیرون افتاد به سبب این شهوت بیوفتاد و آنگه این شهوت اصل همه شهوت‌های دیگر است؛ که چون شکم سیر شود، شهوت نکاح جنبیدن گیرد و به شهوت شکم و فرج قیام نتوان کرد الا به مال؛ پس شره

مال پدیدار آید و مال به دست نتوان آورد الا به جاه و حشمت. پس شره جاه پدیدار آید و مال و جاه نگاه نتوان آورد الا به خصومت با خلق؛ و از آن حسد و تعصّب و عداوت و کبر و ریا و کین و جدل همه پدیدار آید.» (غزالی، ۱۳۸۰، ج ۲: ۳۸) سپس وی گرسنگی را اصل همه خیرها می‌داند و در فضیلت و ثواب گرسنگی، توضیحاتی را به همراه روایات می‌آورد. سعدی هم که تأثیر زیادی از غزالی پذیرفته است، در آثار خود به گرسنگی و معرفتی که با آن به همراه می‌آید، اشاره می‌کند:

«عابدی را حکایت کنند که شبی ده من طعام بخوردی و تا سحر ختمی در نماز بکردی. صاحب‌دلی شنید و گفت: اگر نیم نانی بخوردی و بخفتی، بسیار ازین فاضل‌تر بودی.

اندرون از طعام خالی تا درو نور معرفت
تهی از حکمتی به علت که پری از طعام تا
(سعدی، ۱۳۸۵: ۲۱۶)

مولوی در مثنوی این مضمون را تأیید می‌کند:

گر تو این انبان ز نان خالی پر ز گوهرهای اجلالی کنی
(مولوی، ۱۳۸۲: ۴۱۹)

مولوی در ترجیع‌بندی با مطلع:

ماه رمضان آمد ای یار بر بند سر سفره بگشای ره بالا. (همان، ۱۳۸۸: ۹۸۴)

اشاره می‌کند که سفره را ببند و به بالا سفر کن و از نان خالی شو و توبه کن تا دلبر جان‌افزا را ببینی:

گر توبه ز نان کردی آخر چه زیان کو سفره نان‌افزا کو دلبر جان‌افزا
از درد به صاف آیم وز صاف به قاف آیم کز قاف صیام ای جان عصفور شود.
او در ادامه، طمع خوردن را به جهنم تشبیه می‌کند که با روزه گرفتن در این جهنم را می‌بندیم تا در بهشت یعنی روشنی دل به ما باز شود:

بستیم در دوزخ یعنی طمع خوردن بگشای در جنت یعنی که دل روشن. (همانجا)
و سپس با الهام از داستان حضرت عیسی و خرش، تن را به خر تشبیه می‌کند و جان را به عیسی و می‌گوید که این همه خدمت خر کردی، چندی هم به عیسی نظر کن تا آسمانی شود:

بس خدمت خر کردی بس گاه و جوش بردی در خدمت عیسی هم باید مددی کردن
گر خر نبندی آخر کی مسکن ما بودی گردون کشدی ما را بر دیده و بر گردن. (همانجا)



آیات قرآن مجید، مهم‌ترین و متقن‌ترین منبع شناخت فلسفه احکام است. در قرآن کریم به ده‌ها آیه برمی‌خوریم که حکمت افعال و احکام الهی را بیان کرده است. از جمله این آیات، آیه ۱۸۳ سوره بقره است که در باب تشریح حکم روزه می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ». خداوند در این آیه بعد از بیان وجوب روزه، فلسفه این فریضه الهی را تقوا و پرهیزگاری می‌داند. تقوا به معنای پرهیزگاری، ترسیدن از حق تعالی و دوری دل از گناه است. و در پرتو این تقواست که انسان حقیقت‌بین می‌شود.

چون که تقوا بست دو دست حق گشاید هر دو دست

(مولوی، ۱۳۸۲: ۵۲۸)

مولوی به مخاطب گوشزد می‌کند که امساک طعام، روزه‌ی ظاهری است و باید به معنی و اصل بیشتر

توجه داشت:

هست روزه ظاهر، امساک روزه معنی، تو جَه دان

این دهان بستی، دهانی، باز که خورنده، دانه‌های راز

جوع مر خاصان حق را تا شود از جوع شیر

(همان: ۴۳۷)

او همچنین روزه را قربانگاه حرص می‌داند:

تو گاو فربه حرصت به روزه قربان کن که تا بری به تبرک هلال لاغر

(مولوی، ۱۳۸۸: ۳۵۶)

بنابراین اصلی‌ترین کارکرد روزه، انسان‌ساز بودن آن است؛ اینکه انسان به خضوع برسد و از تکبرش

کم شود. به بیان دیگر خشوع دل و میل به انسانیت از کارکردهای اصلی روزه است:

از خشوع دلست مغز نماز ورنباشد خشوع نیست نیاز

آنکه در بند روزه ماند و نماز بر درِ جاننش ماند قفل نیاز

(سنایی، ۱۳۶۲: ۴۸۹)

ناصر خسرو هم می‌گوید وقتی نمی‌دانی حقیقت روزه چیست، گرسنه بودن تو بیهوده است:

چون روزه ندانی که چه چیز است، چه سود است بیهوده همه روزه تو را بودن ناهار؟

(ناصر خسرو، ۱۳۷۵: ۹۸)

شاعران در زمینه کارکردهای روزه و ارزش‌هایی که برای انسان‌ها دارد، نظرهای متفاوت و قابل تأملی دارند. صائب در غزلی، روزه را آتشی در خاشاک گناه می‌داند و این گرسنگی و تشنگی را مانند سوهانی می‌داند که غفلت را می‌زداید:

برق خاشاک گنه، روزه تابستان است دود این آتش جانسوز به از ریحان است
... می‌کند روزه ماه رمضان عمر دراز مدّ انعام درین دفتر و این ایوان است
غفلت از تشنگی و گرسنگی کم گردد که لب خشک بر این بند گران سوهان است
(صائب، ۱۳۶۵: ۷۳۷)

سعدی، خدمت به خلق را بسیار مهم می‌داند و در این زمینه حکایتی درباره‌ی روزه گرفتن ذکر می‌کند که اگر کسی روزه می‌گیرد، مقداری را که نمی‌خورد، باید به دیگری بدهد، وگرنه روز نخورد و شب خود بخورد، به چه درد می‌خورد:

خورنده که خیرش برآید ز به از صائم‌الدهر دنیاپرست
مسلم کسی را بود روزه داشت که درمانده‌ای را دهد نان چاشت
وگرنه چه لازم که سعی بری ز خود بازگیری و هم خود خوری؟
(سعدی، ۱۳۸۵: ۳۸۲)

او در گلستان نیز این اندیشه را تأیید و بر آن تأکید می‌کند:

«جوانمرد که بخورد و بدهد، به از عابد که روزه دارد و بنهد. هر که ترک شهوت از بهر خلق داده

است از شهوتی حلال، در شهوتی حرام افتاده است.» (همان: ۲۳۹)

۴- نتیجه‌گیری

جلوه‌های گوناگونی از ماه مبارک رمضان و روزه گرفتن را در ادبیات فارسی می‌توان مشاهده کرد که شاعران و نویسندگان آن را خمیرمایه هنرپردازی خود کرده‌اند. بسامد روزه و رمضان در اشعار مولوی در مقایسه با دیگر شاعران بسیار بالاست و هیچ شاعری را سراغ نداریم که به اندازه‌ی او از این آیین مبارک دینی برای تصویرسازی و آموزه‌های تعلیمی استفاده کرده باشد. نگاه او به روزه گرفتن، متنوع، بدیع و ظریف است که این امر در تصاویر شعری او دیده می‌شود. وجه‌شبه‌های متعددی که برای روزه و دیگر اشیا و پدیده‌ها کشف یا ایجاد می‌کند، گواهی این سخن است.

در این پژوهش، سه رویکرد اصلی نسبت به روزه گرفتن و ماه رمضان بررسی شد. در یک رویکرد، آداب و رسوم تجلی‌یافته از روزه و ماه رمضان در ادبیات فارسی بود که پرهیز و امساک، اصلی‌ترین

کاری بود که در ادبیات فارسی به آن اشاره شده است و در کنار این امساک از خوردن و نوشیدن که ظاهر امر است، به پرهیز و اجتناب از دیگر معاصی و منکران هم اشاره و بر آن تأکید کرده بودند. امساک از شراب‌نوشی در ماه رمضان، یکی دیگر از آداب‌ی بود که در شعر شاعران بسامد چشمگیری داشت. رویکرد دیگر، تصاویر بلاغی مرتبط با ماه رمضان و روزه گرفتن بود که تشبیه و اضافه‌های تشبیهی، بیشترین بسامد را داشتند که این امر به خاطر ذهن پویا و وقاد مولوی بود که از جنبه‌های گوناگون، روزه گرفتن را تفسیر و تحلیل کرده بود. تلمیح هم از دیگر آرایه‌هایی بود که شاعران به کمک آن، هم جنبه‌ی مخیل سخن خود را قوت می‌بخشیدند و هم بعد القایی آن را. خاقانی در این زمینه، شاعری چیره‌دست و صاحب سبک است. در ارتباط با روزه و ماه رمضان، حسن تعلیل هم آرایه‌ی دیگری است که در اشعار شاعران دیده می‌شود.

رویگرد دیگر این پژوهش، کارکردهای روزه و ماه رمضان در ادبیات فارسی بود و آن جنبه انسان‌سازی روزه است که مورد توجه شاعران و نویسندگان بود. گرسنگی، منشأ نعمت‌های زیادی است که ابعاد مختلف آن مورد توجه شاعران قرار گرفته است و به مزایای مادی و معنوی آن اشاره کرده‌اند. تمرین صبر، استغفار و اجابت دعاها، هم‌دردی و هم‌دلی با هم‌نوعان و... از دیگر کارکردهای روزه و ماه رمضان است.

منابع

- قرآن کریم، ترجمه ابوالفضل بهرام‌پور.
- اسکویی، نرگس (۱۳۹۴)، «شیوه‌های تعلیلی شاعران آذربایجانی»، **مجله شعر پژوهی**، دانشگاه شیراز، س ۷، شماره پیاپی ۲۳، بهار: ۴۸-۲۹.
- اسلامی مقدم، فاطمه و محمدرضا فارسیانی (۱۳۹۹)، «بررسی تطبیقی مؤلفه‌های رمانتیسیم در اشعار نادر نادرپور و آلفرد دو موسه»، **پژوهشنامه مکتب‌های ادبی**، دانشگاه مازندران، س ۴، ش ۱۰: ۷-۲۵.
- باوره، موریس (۱۳۸۶)، **تخیل رمانتیک (مجموعه مقالات رمانتیسیم)**، ترجمه‌ی فرشید شیرازیان، چاپ دوم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد.
- بهار، محمدتقی (۱۳۸۷)، **دیوان اشعار**، تهران: نگاه.
- ثروت، منصور (۱۳۹۵)، **آشنایی با مکتب‌های ادبی**، تهران: سخن.
- جعفری جزئی، مسعود (۱۳۷۸)، **سیر رمانتیسیم در اروپا**، تهران: مرکز.



- حافظ، شمس‌الدین محمد (۱۳۸۷)، **دیوان اشعار**، تصحیح قاسم غنی و محمد قزوینی، تهران: ققنوس.
- حمیدیان، سعید (۱۳۸۳)، **داستان دگردیسی**، تهران: نیلوفر.
- خاقانی، افضل‌الدین بدیل (۱۳۸۸)، **دیوان اشعار**، تصحیح ضیاءالدین سجادی، تهران: زوار.
- زرقانی، مهدی (۱۳۸۷)، **چشم‌انداز شعر معاصر ایران**، تهران: ثالث.
- زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۶۱)، **نقد ادبی**، تهران: امیرکبیر.
- سعدی، مصلح بن عبدالله (۱۳۸۵)، **کلیات سعدی**، تصحیح محمدعلی فروغی، تهران: ققنوس.
- سنایی، مجدود بن آدم (۱۳۶۲)، **دیوان حکیم سنایی غزنوی**، تهران: سنایی.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۰)، **ادوار شعر فارسی**، تهران: سخن.
- (۱۳۹۲)، **زبان شعر در نثر صوفیه**، تهران: سخن.
- (۱۳۷۸)، **زبور پارسی**، تهران: آگه.
- (۱۳۹۱)، **صورخیال در شعر فارسی**، تهران: آگه.
- صائب تبریزی، میرزا محمدعلی (۱۳۶۵)، **دیوان صائب تبریزی**، مجموعه ۷جلدی، تصحیح محمد قهرمان، تهران: علمی فرهنگی.
- صدیقی، هاشم (۱۳۹۱)، «فلسفه روزه در اسلام»، **نشریه جبل‌المتین**، س ۱، ویژه‌نامه ماه مبارک رمضان: ۱۱۸-۱۱۲.
- عطار نیشابوری، فریدالدین (۱۳۵۸)، **دیوان اشعار**، تصحیح م. درویش، تهران: جاویدان.
- غزالی، محمد (۱۳۸۰)، **کیمیای سعادت**، دو جلد، تصحیح حسین خدیو‌جم، تهران: علمی فرهنگی.
- فارابی، ابونصر (۱۳۶۱)، **احصاء العلوم**، ترجمه و تصحیح حسین خدیو‌جم، تهران: علمی فرهنگی.
- فتوحی، محمود (۱۳۸۸)، **بلاغت تصویر**، تهران: سخن.
- فروغی بسطامی (۱۳۳۶) **دیوان کامل اشعار**، به کوشش حسین نخعی، تهران: امیرکبیر.
- قآن‌نی، حبیب‌الله محمدعلی، (۱۳۸۰)، **دیوان حکیم قآن‌نی شیرازی**، تهران: نگاه.
- قاضی‌زاده، عبدالعزیز (۱۳۹۱)، «ویژگی‌های رمضان و آداب روزه‌داری»، **نشریه جبل‌المتین**، س ۱، ویژه‌نامه ماه مبارک رمضان: ۲۷-۲۳.

- گلپور، منیژه و دیگران (۱۳۹۳)، «روزه‌داری و سیستم ایمنی از منظر قرآن و احادیث»، **نشریه اسلام و سلامت**، ش ۳: ۶۸-۶۱.
- مستعلی پارسا، غلامرضا و امیر محمد جلالی (۱۳۹۵)، «خیال و ترک ادب شرعی؛ تبیین پیوند مضامین مبتنی بر ترک ادب شرعی با مقوله خیال در متون تغزلی»، **مجله شعر پژوهی**، ش ۳۰، زمستان: ۱۷۸-۱۵۳
- موسوی گرمارودی، سیدمصطفی، (۱۳۷۹)، نگاهی به رمضان در شعر فارسی، **مجله گلستان قرآن**، ش ۳۸: ۲۹-۳۲
- مولوی، جلال‌الدین (۱۳۸۲)، **مثنوی معنوی**، تصحیح رنولد نیکلسون، تهران: هرمس.
- (۱۳۸۸)، **غزلیات شمس تبریزی**، مقدمه، گزینش و تفسیر محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران: سخن.
- ناصر خسرو، ابومعین (۱۳۷۵)، **سی قصیده**، به اهتمام مهدی محقق، تهران: توس.
- هاتف اصفهانی (۱۳۶۲)، **دیوان اشعار**، تصحیح محمد عباسی، تهران: فخر رازی.

Fasting and Ramadan in the Romantic Views of Some Persian Poets

Hojjat Allah Omidali³ 

Fatemeh Soltani⁴ 

DOI: 10.22080/RJLS.2023.23624.1304

Abstract

The proponents of Romanticism consider imagination to be the fundamental element of poetry, which allows the poet to create innovative and inspired works to enter the world of the unseen and unheard in order to make a new world. Fasting and the glorious customs of the holy month of Ramadan have been chosen as the theme and the imagery of most Persian poets. Aiming to investigate how the holy month of Ramadan and fasting have appeared in the works of Persian poets, this study seeks to answer the following questions: How are the customs of Ramadan and fasting manifested in Persian poetry? And what is the place of poetic imagination in creating relevant images? The method used in this research is descriptive-analytical and the components of Ramadan and fasting were analyzed based on the frequency statistics obtained by software from the poets' works. The poets who paid the most attention to this issue were then selected and analyzed. Rumi, Saadi, Attar, and Qaani were the four who had the most frequency in this field. The main discussion is divided into three main areas under the headings: 1- Rhetorical images of Ramadan and fasting in Persian poetry 2- The customs of Ramadan and fasting 3- Purposes of Ramadan and fasting. Findings indicate that simile, allusion, and poetic etiology have had the most frequency. Also, intentionality, abstinence, and the manner of breaking the fast as rituals of Ramadan, and refinement and cultivation are some of the most important rituals in fasting and Ramadan in Persian poetry recreated by these poets' imagination.

Keywords: Romantic Imagination, Persian Poetry, Ramadan and Fasting.

Extended Abstract

Introduction

From amongst the elements of poetry - language, music, imagination, form, emotion, etc. - imagination is of special importance and is considered as the

³ Assistant Professor of Persian Language and Literature, Arak University. Corresponding author: omidsu@gmail.com.

⁴ Assistant Professor of Persian Language and Literature, Arak University

queen of all talents and mental powers (see Jafari Jazi, 1999: 317). The poet's way of establishing a link between man and nature is something his imagination has done; this mental attribute of the poet forms the main context of the poem (See Shafiei Kadkani, 2012: 2). The school of Romanticism has given much importance to imagination, leading its followers to believe that "a romantic poet or writer does not speak of what is, but discusses what should be, and their art is mixed with exaggeration" (Servat 2016: 96). Indeed, Romanticism was a philosophical-literary movement that emphasized the superiority of imagination and emotion over reason and rationality in the field of literature and art. With the passage of time and establishing principles and components for itself, this movement became a school, with many of its adherents believing that "being a poet is simply a matter of imagination" (Bavareh, 2007: 56). Romantics' emphasis on imagination - which is one of the essential features of this school - is in fact a protest against the tenets of Classicism which maintained that the essence of poetry and art lies in "imitation" and tried to control "imagination" with rational approaches.

The artistic view of religion and religious propositions in Persian literature has had a high frequency. In fact, one of the main themes of Persian literature is the doctrinal and religious themes that poets capture with their imagination in these propositions. This artistic view toward religion and theology, which is referred to as mysticism and Sufism in Persian literature - "Sufism and mysticism is nothing but an artistic view of religion." (Shafiei Kadkani, 1999: 27) - is a complex and multifaceted art that in dealing with religious propositions, creates points and subtleties and images that may create contradictions for some people who reject these propositions altogether and consider them contrary to religion; if the criterion of truth and falsehood in artistic and religious propositions is different, how is "the boundary between falsehood and artistic exaggeration [...] determined by their context and their structural context" (Ibid: 2013: 63).

The holy month of Ramadan and fasting have been and are of the important rituals of Muslims: "O you who believe, write the book on your fasting, as it was written on those who were before you" (Surah Baqarah/verse 183). Most sins originate from the two roots of anger and lust, and fasting prevents the bitterness of these two instincts, and therefore reduces corruption and increases piety. Piety and God-fearing are the most important effects of

fasting which is the only secret form of worship. People see prayer, Hajj, Jihad, Zakat and Khums, but fasting is not visible. Fasting strengthens the human will. A person who has set aside his bread and water and his wife for a month can control himself over the property and honor of others. Fasting strengthens emotions. One who has tasted hunger for a month becomes acquainted with pain and feels and understands the suffering of the hungry. The Messenger of God, may God bless him and grant him peace, said: Fasting is half of patience. Fasting of the ordinary people is for them to abstain from bread, water, and spouses, but in special fasting, it is also necessary to avoid sins as well, and the true fast, in addition to abstaining from sins, helps empty the heart of anything other than God (See Qaraati, 2007, J 1: 283).

Research Methodology

The research method used for this essay is content analysis. By searching for and examining fasting and Ramadan in the work of poets of Persian literature - by means of software - it was found that most poets have paid attention to this matter, although in the poetry of the four poets - Attar, Saadi, Rumi and Qaani – the frequency was more significant. Hence, our main focus is on the poetry of these four poets, although the works of other poets are also used in different places to explain and interpret the different aspects of the subject.

Research Findings

Religious concepts and terms have always been the subject of illustrations and themes of poets and writers to engage in artistic creations and language games through dynamic and innovative imagination. These concepts and terms have been questioned and used for various reasons, sometimes for intellectual reasons (including philosophical reflections, critical tendencies, repressive tendencies, momentary tingling of the mind, etc.) and sometimes for purely artistic reasons (experimentation in the field of form, theme and image, and ...). (See Mostali, 2016: 154)

Fasting and the customs related to the month of Ramadan are among the rituals that have always been of importance to Muslims, and the poets have also paid special attention to the creation, establishment and promotion of literary traditions related to Ramadan and fasting. Literary traditions are a set of conventions in the literature of any nation, which is embedded in the cultures of that nation and has a considerable frequency. These traditions are concepts and themes based on the beliefs, interests, aspirations and

imaginations, customs, and social behaviors of a nation that are passed down from generation to generation which are reflected and expanded by the artists in their works. In this research, the views and perceptions of poets in relation to this issue have been analyzed in three main areas: 1- Rhetorical images of Ramadan and fasting in Persian poetry 2- The customs of Ramadan and fasting 3- Purposes of Ramadan and fasting.

Conclusion

Various manifestations of the holy month of Ramadan and fasting can be seen in Persian literature, which poets and writers have used as the basis for their art. The frequency of fasting and Ramadan in Rumi's poems is very high compared to other poets, and we do not know of any poet who has used this blessed religious ritual for illustration and teaching. His view of fasting is varied, original and delicate, which can be seen in his poetic imagery. The numerous similitudes he discovers or creates for fasting and other objects and phenomena are proofs of this.

In this study, three main approaches to fasting and Ramadan were examined. In the first approach, which was concerned with the customs manifested from fasting and the month of Ramadan in Persian literature, abstinence was the main thing mentioned; in addition to abstinence from eating and drinking, which is the appearance of the matter, avoidance of other sins was also mentioned and emphasized. Abstinence from drinking wine during the month of Ramadan was another ritual that had a significant frequency in the works of poets.

Another approach was concerned with the rhetorical images related to the month of Ramadan and fasting, in which similes and metaphors had the highest frequency, which was due to the dynamic mind and wisdom of Rumi, who interpreted and analyzed fasting from various aspects. Allusion was another device with which poets strengthened both the imaginative aspect of speech and its inductive dimension; Khaqani is a masterful poet and a master of style in this field. In connection with fasting and the month of Ramadan, poetic etiology is another device that can be seen in the works of poets.

The other focus of this research was the purposes of fasting and Ramadan in Persian literature, and the humanizing aspect of fasting that was the focus of poets and writers. Hunger is the source of many blessings, the various dimensions of which were considered by these poets to depict their material and spiritual benefits. Practicing patience, asking for forgiveness and

answering prayers, and empathy with all kinds of people, etc. are other functions of fasting and the month of Ramadan.

Sources

Quran

Islampour Karimi, Asgar (2007), The effects and blessings of fasting, Islamic Revolutionary Guard Corps, No. 26.

Oskooi, Narges, (2015), The interpretive methods of Azerbaijani poets, Journal of Poetry Research of Shiraz University, consecutive issue 23, the seventh year of spring 1994, 29-48.

Ismail Isfahani, Kamaluddin, (1348), Poetry Divan, edited by Allameh Bahr al-Ulumi, Tehran: Dekhoda.

Bavareh, Morris, (2007), Romantic Imagination (Collection of Romanticism Articles), translated by Farshid Shirazian, second edition, Tehran: Ministry of Culture and Guidance.

Bahar, King of Poets Mohammad Taghi, (2008), Poetry Divan, Tehran: Negah.

Bidel Dehlavi, Abdolqader, (2016), Bidel Dehlavi Divan, by Akbar Behdarvand, Tehran: Negah.

Sarvat, Mansour, (2016), Introduction to Literary Schools, Tehran: Sokhan.

Jafari Jazi, Massoud, (1999), The course of romanticism in Europe, Tehran: Markaz Publishing.

Hafez, (2008), Poetry Divan, Ghani-Qazvini correction, Tehran: Phoenix.

Khaghani, Afzaluddin Badil, (2009), Poetry Divan, edited by Ziauddin Sajjadi, Tehran: Zavar.

Saadi, Mosleh Ibn Abdullah, (2006), Saadi's generalities, edited by Mohammad Ali Foroughi, Tehran: Phoenix.

Sanai, Majdood Ibn Adam, (1362), Divan Hakim Sanai Ghaznavi, Tehran: Sanai.

Shafiee Kadkani, Mohammad Reza, (2013), The Language of Poetry in Sufi Prose, Tehran: Sokhan.

(1378), Persian Psalms, Tehran: Ad.

(2012), Surkhial in Persian Poetry, Tehran: Ad.

Shahriar, Mohammad Hossein, (1397), Collection of Poems, Tehran: Negah.

Saeb Tabrizi, Mirza Mohammad Ali, (1365), Saeb Tabrizi Divan, 7-volume collection, edited by Mohammad Ghahraman: Tehran: Scientific and cultural.

Attar Neyshabouri, Fridaldin, (1358), Poetry Divan, edited by M. Darvish, Tehran: Javidan.

Ghazali, Mohammad, (2001), The Alchemy of Happiness, two volumes, edited by Hossein Khadiojam, Tehran: Cultural Science.

Farabi, Abu Nasr, (1361), Statistics of Sciences, translated and corrected by Hossein Khadiojam, Tehran: Cultural Science.

Fotouhi, Mahmoud, (2007), Picture Rhetoric, Tehran: Sokhan.

Foroughi Bastami, (1336), Complete Divan of Poetry, by Hossein Nakhaei, Tehran: Amirkabir.

Qaani, (2001), Poetry Divan, edited by Amir Sanei, Tehran: Negah.

Qaraati, Mohsen, (2007), Tafsir Noor, Tehran: Institute for the Right.

Mustaali Parsa, Gholamreza and Amir Mohammad Jalali, (2016), Imagination and abandonment of religious literature; Explaining the connection between themes based on abandoning religious literature and the category of imagination in lyrical texts, Journal of Poetry Research, Winter, No. 30.

Manouchehri Damghani, Abolnajm Ahmad Ibn Qous (1347), Poetry Divan, edited by Mohammad Dabirsiyaghi, Tehran: Zavar.

Rumi, Jalaluddin, (2003), Masnavi Manavi, edited by Renold Nicholson, Tehran: Hermes.

_____, (2009), Ghazals of Shams Tabrizi, Introduction, Selection and Interpretation by Mohammad Reza Shafiei Kadkani, Tehran: Sokhan.

Naser Khosrow, (1375), Thirty Poems, by Mehdi Mohaghegh, Tehran: Toos.

Hatef Esfahani, (1362), Poetry Divan, edited by Mohammad Abbasi, Tehran: Fakhr Razi

Authors' Contribution

Authors contributed equally.

Conflict of Interest

None

Acknowledgments
